

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنما به ما که هستی

آنگه بگو که هستی؟

(۶۳) بیم و امید

از آن آشنا پرسیدم:

- آیا گفته های شما به این معناست که یک انسان معمولی، در نهایت، سرنوشتی جز این نخواهد داشت که

یا،

به کمک رفتار های فطری انسانی، از بهشت سر در آورد و همنشین فرشتگان و پاکان گردد

و یا،

با تبعیت از غرایز حیوانی، به آتش دوزخ افکنده شود و همدیگر دیوان و ددمنشان گردد؟

در پاسخ فرمود:

- تبعیت از سرشت، انسان را تا آستانهٔ بهشت می برد؛

اما این که آیا او به بهشت راه داده می شود یا خیر، تماماً به خواست و تصمیم نهایی "او" بستگی دارد.

هرگز نمی توان گفت که کاری، بی قید و شرط، بهشت را برای شخص تضمین می کند.

افزود:

- در مورد دوزخ نیز چنین است. اگر "او" اراده فرماید، بخشودگی گناهان یک فرد، تا آخرین لحظه، امکانپذیر

است؛

و

هیچ عملی نیست که فرد را قطعاً دوزخی کند.

سُنّتِ "او" چنین است که بندگان همواره در خوف و رجاء به سر برند و در آمیزه ای از بیم و امید زندگی

کنند، و از این طریق تکامل یابند.

با تعجب گفتم:

- ولی من یک عمر شنیده ام که اقرار به یگانگی خداوند، بهشت را بر شخص واجب و آتش دوزخ را بر او

حرام می کند.

ضمناً فرموده اند که شرک به خداوند گناهی است که هرگز بخشیده نمی شود.

فرمود:

- درست شنیده اید اما کامل نشنیده اید.

این گفته ها مشروط اند.

صرف اقرار به وحدانیت خداوند، بدون پذیرش دیگر باور های برآمده از دل توحید، و نیز بدون اجرای اعمال مُنتَج از آن، شخص را از آتش دوزخ نمی رها کند.

و از سوی دیگر

نه تنها شرک، بلکه هر باور یا عمل آلوده به شرک - حتی آن دسته از باورها و اعمالی که ظاهراً توحیدی به نظر می رسند - نزد خداوند مردود اند.

گفتم:

- صحبت از باورهای برآمده از دل توحید کردید.

مگر توحید حکایت از وحدت نمی کند؟

چگونه ممکن است توحید، خود مُتکثر شود و از دل آن باورهای مُتعدد بیرون بیاید؟

مهم ترین این باورها کدامند؟

فرمود:

- همان گونه که، به خواست و اذن "او"، بعدها به تفصیل برایتان خواهم گفت،

گرچه خدای یکتا واجد تمامی صفات کمال، آن هم به تعداد بی شمار، است،

اما

از توحید چنین بر می آید که تمامی صفات "او" نیز، در کلیتِ خویش، در یک صفتِ واحدِ اصلی متجلی باشند. و آن صفتِ اصلی، عدل نام دارد.

پس باور به عادل بودن خداوند از دلِ باور به توحید بر می آید.

افزود:

- عدل الهی معنای وسیع و خاصی دارد.

عدل الهی، یک صفت در کنارِ دیگر صفاتِ "او" نیست؛ بلکه عدل، روحِ مشترکِ تمامی صفات و فرامین و افعالِ "او" است.

ادامه داد:

- با این وجود، بیایید عدل را به همان معنای آشنا برای انسان ها در نظر بگیریم،

حال بگویید که

آیا یک آفریدگارِ عادلِ مطلق با همه آفریدگانش - که برخی از آن ها نیکی و بعضی بدی می کنند -

یکسان رفتار خواهد کرد؟

گفتم:

- خیر.

حتی اگر "او" آن ها را برای مدتی در رفتارشان آزاد بگذارد، دیر یا زود به نیکوکاران پاداش خواهد داد و بدکاران را به کیفر اعمالشان خواهد رساند.

فرمود:

- بلی.

اگر "او" آن ها را در این دنیا - یعنی محلِ آزمونِ الهی - ظاهراً آزاد بگذارد، حتماً در اجرای عدالت، بر اساسِ نتایجِ این آزمون، در جهانی دیگر آن ها را احضار نموده و به تکِ تکِ اعمالِ کوچک و بزرگ، و نیک و بدشان، عادلانه رسیدگی خواهد کرد و به آن ها پاداش و کیفر خواهد داد.

افزود:

- پس اعتقاد به قیامت و روزِ داوری نیز از باور به عدلِ "او"، و در نتیجه، از دلِ باور به توحید بر می آید.

پرسید:

- آیا ممکن است "او"، که مطلقاً عادل است، بندگان را امتحان کند بی آن که ایشان را برای چنین آزمونی

آماده نماید؟

پاسخ دادم:

- خیر. عدلِ "او" مستلزم آن است که کسانی را برای راهنماییِ شرکت کنندگان در آزمون بفرستد و منابعِ امتحانی را مشخص کند.

فرمود:

- پس اعتقاد به رسولان و امامان و کُتُبِ آسمانی و فرشتگان - که مَجری دستورات "او"، از جمله آوردنِ آن کتاب ها برای رسولان هستند - نیز از باور به عدلِ "او"، و در نتیجه، از دلِ باور به توحید بر می آیند.

پرسیدم:

- آیا از دیگر صفاتِ الهی هم چنین باورهایی بر می آیند؟

فرمود:

- بلی.

گرچه من باور های پیش گفته را از عدالتِ "او" استنتاج کردم؛

از مفهوم توحید لزوماً بر می آید که قدرتِ "او" نیز نمی تواند مُتکَثِّر باشد؛

تنها قادرِ حقیقی "او"ست؛ و دیگر موجودات، قدرتِ صوریِ خود را از "او" دارند.

آنگاه پرسید:

- از دو موجودِ قادر، کدام یک تواناتر است؟ آن که توانایی خود را به کار می گیرد یا آن که از توانایی خود

بهره ای نمی برد؟

پاسخ دادم:

- بی گمان اولی.

فرمود:

- خداوند نیز، که توانایِ مطلق است، توانایی خود را عاطل نمی گذارد؛
به همین دلیل، "او" دست به آفرینش می زند و این کار را تعطیل نمی کند؛

پس

"او" همواره آفریدگار بوده و هست و خواهد بود.

افزود:

- و از آن جا که آفریدگانش، به هیچ وجه و هیچگاه، بی کمکِ "او" قادر به رشد و تکامل و حتی حفظِ
موجودیتِ خود نیستند،

و "او" است که آن ها را پس از آفریدنِ شان می پرورد،

لذا "او" پا به پای آفریدگاری،

همواره پروردگار نیز بوده و هست و خواهد بود.

پس اذعان به آفریدگار و پروردگار بودنِ "او"، از باور به قدرتِ مطلق و لایزالِ "او"، و در اصل از دلِ باور
به توحید بر می آید.

آن آشنا آهی کشید و در ادامه فرمود:

- متأسفانه، کسانی که به صرفِ اقرار به یگانگی خداوند، با شعارِ فقط خدا، خود را از بسیاری از باورهای
برگرفته از توحید بی نیاز می پندارند، سخت در گمراهی و اشتباه اند.

چون

ایمانِ ناقص،

دیر یا زود، یا

به چالش های عقیدتی و، چه بسا، به کُفر آشکار مُنجر خواهد شد

و یا دستِ کم

سَالک را، در نیمه راهِ سلوک به سویِ پیشگاهِ خداوند، به لَنگِش خواهد کِشانَد.

ادامه دارد